

klatschen لغت روز Wort des Tages

روز لغت Wort des Tages

klatschen یک فعل می باشد

دست زدن ، کف زدن ، غیبت کردن ، پر حرفی کردن ، صدای شلاپ دادن ، با صدا بر چیزی افتادن

Eine Hand gegen die andere schlagen; applaudieren

یک دست را بر دست دیگر زدن ، تشویق کردن ، کف زدن

„Das Publikum klatschte, als das Theaterstück zu Ende war,“

وقتی نمایشِ تئاتر رو به پایان بود ، تماشاچیان دست میزدند

<http://de.alemani.de/wp-content/uploads/2017/05/klatschen.mp3>

گذشته ساده : klatschten

گذشته کامل : haben geklatscht

این فعل نیز همانند بیشتر افعال آلمانی ، در موقعیت های مختلف می تواند معانی متفاوتی نیز داشته باشد

که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت

موقعیت اول : هرگاه که چیزی بر اثر ضربه یا افتادن صدای شالاپ بدهد ، مثلا وقتی باران به شدت می بارد

Der Regen klatscht auf das Dach

باران به روی سقف برخورد میکند و صدای شالاپ میدهد

موقعیت دوم : وقتی چیزی با صدا بر روی چیز دیگری بیافتد یا برخورد کند

Mörtel an die Wand klatschen

مالات به روی دیوار برخورد میکند

اگر دقت کرده باشید بناها ملات را با ضربه به سمت دیوار پرتاب میکنند ، که این برخورد باعث می شود که صدای به وجود بیاید ، در زبان آلمانی به این صدا نیز klatschen گفته می شود.

یا مثلا وقتی به شدت یا به سرعت سوس را با ضربه از بالا به روی بشقاب میریزیم ، صدای به وجود می آید که به آن صدای به وجود آمده نیز klatschen میگویند

Ketchup auf den Teller klatschen

سس کچاپ به روی بشقاب میافتد و صدای ایجاد میکند

موقعیت سوم : هرگاه که با حرف اضافه über در جمله بیاید ، یعنی در مورد کسی یا چیزی غیبت کردن

Über die neuen Nachbarn klatschen

در مورد همسایه جدید غیبت کردن

که در تفکر فارسی معمولا گفته می شود پشت کسی غیبت کردن اما در تفکر آلمانی هرگاه über با فعل klatschen ترکیب شود

آنگاه معنی مشابه آن در فارسی می شود پشت کسی صحبت کردن ، پس دقت کنید که می بایستی klatschen به همراه حرف اضافه über بیاید تا معنی پشت کسی غیبت کردن را بدهد

Über jemanden klatschen

پشت سر کسی غیبت کردن

و حال اگر klatschen به همراه حرف اضافه mit در جمله بیاید ، آنگاه به این معنی است : با کسی غیبت کردن

Mit jemandem klatschen

با کسی غیبت کردن

حالت چهارم : وقتی که معنی پُر حرفی را بدهد

Er lief sofort zum Lehrer, um zu klatschen

او فوراً به سمت معلم دوید ، تا پُر حرفی بکند

حالت پنجم : وقتی بخواهیم کسی را تشویق کنیم

Morgen gehe ich ihn klatschen

فردا میروم او را تشویق میکنم

حالت ششم : هرگاه از روی شوق یا هیجان دست زدن

وقتی klatschen به همراه حرف اضافه vor بیاید ، به این معنی است که ما از روی چیزی داریم دست میزنیم ، برای درک بهتر

به مثال زیر توجه کنید

Das Kind klatschte vor Freude in die Hände

آن کودک از شور و شوق کف میزد

نکته : in die Hände در اینجا به معنی کف دست می باشد که در فارسی ما میگوییم کف زدن ، اما در زبان آلمانی تفاوتی میان دست زدن یا تشویق کردن با کف زدن است ، یعنی اگر بخواهیم از روی شوق کف بزنینم آنگاه همانند مثال بالا در تفکر آلمانی نیاز داریم که از in die Hände نیز استفاده کنیم.